

اجلاس ناامیدی متحدان امریکا

■ Thalif Deen

مدیر سابق دفتر سازمان ملل خبرگزاری IPS



اجلاس نقب نتیجه مستقیم تغییرات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و جهان است، اگرچه این کنفرانس که از سوی فلسطینی‌ها با نام کنفرانس شرم یاد می‌شود و خیانتی مستقیم به آنها است، خیانت این کشورها به فلسطینی‌هاست. چنانچه تکرار نیست، چرا که طی سال‌های گذشته بارها این کار را تکرار کرده‌اند. نطفه این خیانت هم نه در اجلاس نقب بلکه با پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰ بسته شد.

هدف از این اجلاس نمایش قدرت و اتحاد همپیمانان امریکا در خاورمیانه پیش از احیای توافق هسته‌ای ایران بود، البته همان طور که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد این اجلاس از سوی مردم کشورهای عرب حمایت نمی‌شود و بسیاری از این مردم عادی‌سازی روابط با اسرائیل را درست نمی‌دانند. این اجلاس همچنین فرصتی برای امریکا بود که در کنار اماراتی که ماه پیش به قطعنامه محکومیت روسیه رأی منفی داده بود باید و بار دیگران وفاداری‌شان به یکدیگر را نشان دهند. امریکا که بزرگترین تأمین‌کننده تسلیحات امارات است و روابط سیاسی مستحکمی با این کشور دارد آن رأی را یک خیانت می‌داند.

از منظر تاریخی کشورهای عرب به دنبال جلب حمایت طرف‌های قدرتمند هستند. چه صدام حسین در طول جنگ با ایران، چه امریکا و متحدانش در طول حمله به کویت و حالا هم در برابر ایران، اما مشکل اینجاست که امریکا دیگر پشتیبانی قابل اعتماد محسوب نمی‌شود.

بعد از شروع عقب نشینی امریکا از خاورمیانه در سال ۲۰۱۲ این واقعیت مشخص شد که سیاست خارجی آینده امریکا دیگر با مرکزیت خاورمیانه نیست. حتی آشوب و هياهو آنچه بهار عربی خوانده شد هم این واقعیت را تغییر نداد. سرانجام بعد از سال‌ها تلاش و چانه‌زنی برای رد کردن این ماجرا واشنگتن بالاخره مجبور شد قبول کند که برخی تغییرات غیرقابل انکار در منطقه رخ داده است. با رفع تحریم‌های ایران اهمیت منطقه‌ای این کشور افزایش پیدا می‌کند و به کشوری قدرتمند با منافع ژئوپلیتیکی غیرقابل انکار از سوریه تا فلسطین و یمن تبدیل می‌شود. این همان پیش‌زمینه‌ای است که باعث شده اعراب به فکر عادی‌سازی روابط با اسرائیل باشند.

نیاز به اتحادی که به آنها اطمینان دهد رشد ایران به هزینه دادن آنها منتهی نخواهد شد، اما نمی‌توان نام این کار را یک نمایش قدرت واقعی دانست، چرا که لبنان و فلسطین نشان داده‌اند که توانایی نظامی اسرائیل چندان مؤثر نیست و در سوریه هم نقش اثرگذاری ندارد.

از طرفی ایران هم اعلام کرده است که هیچ گونه تجاوز اسرائیل در خلیج فارس، شمال عراق و سوریه را تحمل نخواهد کرد و هر حمله‌ای را به نوعی پاسخ می‌دهد. به نظر می‌رسد اسرائیل هم این پیام ایران را بخوبی دریافت کرده است.

بنابراین بعید است اسرائیلی که به ندرت توانسته در برابر مقاومت فلسطین و اعراب بایستد بتواند از کشورهای حاشیه خلیج فارس محافظت کند مخصوصاً زمانی که ایران و متحدانش قوی‌تر از امروز شوند. به نظر من اجلاس نقب انعکاس دهنده ناامیدی متحدان امریکا در منطقه است.

حمایت از اسرائیل با توهم خطر ایران؟

از این بود، پس چرا اردن و همچنین تشکیلات خودگردان فلسطین در آن غایب بودند؟

[پرونده دوم] به ایران مربوط می‌شود که مسأله مورد نیاز [اسرائیل] از لحاظ راهبردی و رسانه‌ای برای گمراه کردن افکار عمومی جهان عرب با توهم خطر ایران است و همزمان واقعیت خطر رژیم صهیونیستی و جاه‌طلبی‌های تهاجمی توسعه‌طلبانه، اشغال اراضی عربی و نفی حقوق ملت فلسطین را با آن می‌پوشاند.

نشست نقب ارتباطی به صلح و ثبات منطقه ندارد، رژیم اشغالگری که غصب کرده و در ترس و زوال به سر می‌برد، نه صلح را می‌شناسد و نه به آن اعتقادی دارد.

اگر به صلح و ثبات منطقه علاقه‌مند بودند، در اجرای عدالت در حق مردم فلسطین و همچنین برای پایان دادن به جنگ یمن عجله می‌کردند. این نشست برای حمایت از اسرائیل و به بهانه تهدید ایران است. طعنه آمیز است که کشورهایی که در نقب گرد هم آمده‌اند، زمانی تهدید ایران را احساس می‌کنند که امریکا، متحد و حامی آنها به امضای توافق با ایران نزدیک شده است.

این کنفرانس سنگ‌بنای یک گردهمایی عربی است که اسرائیل در رهبری آن جایگزین امریکا خواهد شد. وزیر امور خارجه اسرائیل با بیان اینکه این کنفرانس سرآغاز مجمع سالانه اعراب و اسرائیل خواهد بود، چنین مسیر و هدفی را پنهان نکرد.

امریکا و اسرائیل از یک منبع واحد ایدئولوژیک یعنی صهیونیسم و امپریالیسم نشأت می‌گیرند و بدون کمک جنگ‌افروزی و اختلاف‌افکنی و خطر سازی نمی‌توانند نقش جهانی و منطقه‌ای خود را حفظ کنند. رهبری رژیم اشغالگر امروز بر این باور است که اسرائیل با خطر محور مقاومتی مواجه است که رکن اصلی آن در وهله اول ایران و جریان‌ها و گروه‌های مقاومت است.

پرونده سوم، جنگ روسیه و اوکراین؛ پرداختن به نکات این پرونده بدون اشاره ویژه به منافع امریکا و منافع ناتو و توجیه یا درخواست از شرکت‌کنندگان برای در نظر گرفتن این منافع چه در چهارچوب سیاسی و چه در چهارچوب اقتصادی بویژه نفت و گاز امکان‌پذیر نیست.

با علم به اینکه هشت سال است که منطقه شاهد جنگ یمن است و بهتر این بود که امریکا و اسرائیل از طریق بحث و بررسی راه‌های پایان دادن به این جنگ، علاقه خود را به امنیت و ثبات منطقه به افکار عمومی عرب و جهان نشان می‌دادند، بویژه آنکه اغلب مشارکت‌کنندگان در نشست، عرب و از فرزندان همین منطقه بودند.

■ جواد الهنداوی

سفیر سابق عراق در قطر



این نشست در وهله اول اسرائیلی بود، حتی اگر اکثر مشارکت‌کنندگان در آن وزرای خارجه کشورهای عربی بودند. بر اساس سه ملاحظه، این نشست اسرائیلی بود، ملاحظاتی که ابعاد نمادین دارند: اول به مکان برگزاری، در جنوب اسرائیل و روستای «سده بوکر» و در خانه و قبر «دیوید بن گورین» نخست‌وزیر اسبق و مؤسس رژیم اشغالگر باز می‌گردد، که وزرای خارجه عرب روی قبر بن گورین تاج گل قرار دادند. دوم، به اهداف نشست مربوط می‌شود که در وهله اول تقویت مشروعیت، موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی است که طبیعتاً بر خلاف قوانین بین‌المللی و برضد مشروعیت و حقوق فلسطینی‌هاست. دلیل سوم نیز به این مسأله باز می‌گردد که اسرائیل از طریق این نشست خواست تا کشورهای شرق عربی (امارات، بحرین و مصر) و غرب عربی را در آنجا جمع کند. «ناصر بوریطه» وزیر خارجه مغرب در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۲۲ در سخنانی در پارلمان این کشور گفته بود که باید امنیت معنوی آفریقا را از «تشیع ایرانی» حفظ کرد!

اسرائیل خواست تا به این اجلاس ابعاد گسترده عربی بدهد و به جهانیان ثابت کند که پیش از این و همچنان بر حق بوده و این اعراب بودند که در مورد ما اشتباه کرده و با ما جنگیدند و امروز در مقبره مؤسس رژیم حضور یافته‌اند، گویی از آنچه گذشت، عذرخواهی می‌کنند.

روی میز اجلاس سه پرونده با نام‌های مختلف و بر اساس موضوعات روز قرار داشت که حول محور امنیت و منافع اسرائیل می‌چرخید. این سه پرونده چه چیزهایی هستند و چگونه حول محور امنیت و منافع اسرائیل می‌چرخند؟

[پرونده اول] به مسأله فلسطین مربوط می‌شود که در اینجا، مطلوب آن است که راه‌حلی طبق دیدگاه اسرائیل و نه طبق قوانین و قطعنامه‌های شناخته شده بین‌المللی، یافت شود. به معنای دیگر چگونگی حل و فصل مسأله فلسطین و گذار به سمت گفت‌وگو در خصوص حل موضوع اسرائیل اساس این گفت‌وگوهاست. اگر غیر

